



15 دسمبر 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

یک مصاحبه تاریخی 47 سال قبل اینجانب با اعظم رهنورد

با تشدید جنگها، حملات انتحاری و قتل های انفرادی بوسیله دشمنان افغانستان طی این چند ماه روزی نیست که بیش از یکی دو واقعه خونبار همه ملت و بخصوص شهریان کابل را عزا دار نسازد. حوادث اخیر آنهم کشته شدن جوانان اعم شاگردان کورسهای آموزشی، محصلان پوهنتون، عده ای از همکاران رسانه ها و گزارشگران با شهرت، قوای شجاع امنیتی و افسران دلیر بدون شک فضای کشور را بیک ماتمکده مبدل کرده و فغان و ناله را در هر خانه پرطنین ساخته است. در کنار این رویدادها شیوع مرض کرونا نیز جان عده ای را گرفته و هرروز به تعداد تلفات آن بیشتر میگردد. در این فضای اندوه بار عده ای از اشخاص سرشناس نیز دچار مریضی شده و یا بطور طبیعی داعی اجل را لبیک میگویند که مرگ شان ضیاع فرهنگی محسوب میشود.

درقبال این رویدادهای حزن انگیز یکی هم مرگ یک داستان نویس مشهور کشور اعظم رهنورد زریاب بود که چند روز قبل مایه تأثر عمیق دوستانش گردید و انعکاس آن در رسانه های داخلی و خارجی چشمگیر بود و هریک به بزرگداشت از نوشته داستانهای کوتاه او تبصره هایی نوشتند و مقام او را گرامی داشتند. در فرهنگ ما چون بقول معروف "هیچ زنده ای نیک نام و مرده ای بدنام" وجود ندارد، ستایش ها بعد مرگ طبعاً بیشتر اوج میگیرند و ذکر خاطره های نیک از متوفی در بیانات و صفحات نشراتی پیهم انعکاس می یابند و نا گفته از عیوب صرف به شرح کمالات می پردازند. به همین سلسله با آنکه با اعظم رهنورد صرف یکبار و آنهم 47 سال قبل دیدار و صحبت داشتم و این صحبت اول و آخر من با ایشان بود، خواستم به اهتمام زحمتی که در ترتیب و نشر یک مصاحبه با اینجانب داشتند، مطالبی را در باره آن مصاحبه تاریخی که تحت عنوان "صنعت و زراعت افغانستان نیازمند توجه جدی است"، منتشره روزنامه اصلاح - انیس مورخ 11 اسد 1352 صورت گرفت، به حیث یک خاطره در اینجا تقدیم دارم:

روز پنجشنبه مورخ 7 اسد هنگامیکه از دو ساعت اول درسی خلاص شدم و به دفتر دیپارتمنت آمدم، هنوز چند دقیقه نگذشته بود که پیشکار سابقه دار پوهنخی اقتصاد که همه او را "باشی صاحب" خطاب میکردند، درب اتاق کارم را تک زد و گفت شخصی از نیم ساعت انتظار دیدار با شما را دارد؛ گفتم کجا هستند، گفت همینجا. در همین لحظه جوانی از عقب باشی صاحب داخل اتاق شد و پس از تعارفات معمول خود را معرفی کرد و گفت: اسم من اعظم رهنورد است و گزارشگر روزنامه اصلاح و انیس هستم و وظیفه دارم با شما مصاحبه ای داشته باشم و علاوه کرد که اگر امروز فرصت کافی نباشد، یک روز دیگر می آیم. گفتم بفرمائید بنشینید و هر دو مقابل هم نشستیم و به باشی صاحب گفتم تا برای ما جای تهیه کند.

در آغاز صحبت گفت من نام شما را از برادر مرحومم که سالها قبل همصنف شما در فاکولته بود، شنیده ام و خوشحالم که باهم آشنا می شویم. پرسیدم: برادر مرحوم شما...؟!، گفت محمد علم.. فوری بیادم آمد که ده سال قبل او همصنفم بود و در انوقت "ناخدا" (بزعم ناخدای کشتی) تخلص میکرد و اما دوستانش به دلیل معلومات وافر و گرایش سیاسی به نظریات مارکس و لنین از این تخلص

تعبیری دیگر داشتند. او به دلیل مریضی یک سال بعدتر از من از فاکولته فارغ شد و در وزارت پلان به مأموریت آغاز نمود و تخلص جدید برای خود انتخاب کرد که از جریان بعدی زندگی اطلاعی نداشتم لذا بعد از مکث کوتاه پرسیدم: چه وقت و چگونه وفات کرد؟ او توضیحاتی در زمینه داد و من هم از آن رویداد متأثر شدم.

سپس آقای رهنورد روی سخن را به اصل موضوع بر گردانید و گفت که دیروز رئیس روزنامه از او خواست تا به فاکولته آمده و با شما در مورد بعضی مسایل اقتصادی کشور یک مصاحبه انجام دهد که بزودی به نشر برسد. پرسیدم چرا مشخصاً با من؟ گفت تاجائیکه میدانم، رئیس روزنامه با پوهاند صاحب داکتر جاوید رئیس پوهنتون موضوع را در میان گذاشته و ایشان شما را معرفی کرده است. گفتم هروقت بخواهید من حاضریم. گفت اگر فرصت داشته باشید، همین حالا! گفتم بفرمائید در خدمت هستم.

او سؤال خود را با یک مقدمه کوتاه آغاز کرد و گفت: میدانید از انقلاب 26 سرطان (آنوقت اصطلاح انقلاب معمول شده بود) اکنون دو هفته میگذرد و یقیناً بیانیه تاریخی "خطاب به مردم" رئیس صاحب دولت را که در همان روز از رادیو افغانستان نشر شد، بیاد دارید، میخواهم به این ارتباط نظر شما را در باره مسایل اقتصادی کشور از شما بشنوم: در همین لحظه جای نیز آماده و روی میز گذاشته شد و آقای رهنورد قلم و کتابچه یادداشت خود را آماده ساخت و منتظر تبصره من شد که در آغاز با ذکر مختصر درباره اقدامات اقتصادی دوره صدارت محمد داؤد مطالبی گفتم که آنرا آقای رهنورد بسرعت در کتابچه یادداشت خود می نوشت و بعد از آن به طرح سؤالات بعدی خود پرداخت. خلاصه این صحبت تقریباً سه ساعت بطول کشید که درخاتمه هم او و هم من هردو احساس خستگی میکردیم و صحبت را به پایان رسانیدیم. راجع به نشر آن پرسیدم، گفت که شاید فردا یا پس فردا آنرا آماده سازد و به رئیس روزنامه بسپارد و در مورد نشر آن او تصمیم خواهد گرفت و اگر توضیحات بیشتر لازم باشد، بار دیگر به تماس خواهم شد. حوالی ساعت یک بعد از ظهر مصاحبه پایان یافت و قبل از خدا حافظی از اینکه بسرعت گفته ها را یادداشت میکرد، از مهارتش توصیف کردم و او در مقابل گفت که: «خوشحالم امروز شاگرد شما شدم و مطالبی را فرا گرفتم» و باهم خداحافظی کردیم.

آقای رهنورد دو روز بعد به دفتر ریاست پوهنخی که در آنوقت فقط یک پایه تلیفون داشت، برایم پیام گذاشت که مصاحبه امروز (یعنی یازدهم اسد 1352 مطابق 2 اگست 1973) به نشر رسیده است. با دریافت این پیام روزنامه را گرفتم که زیرعنوان درشت "صنعت و زراعت افغانستان نیازمند توجه جدی است" متن ذیل در آن به نشر رسیده بود. اینک کاپی مقطوعه اصلی آنرا که نزد من موجود است، خدمت دوستان گرامی تقدیم میدارم:



شروع مصاحبه (عیناً اقتباس از متن اصلی)

«شاغلی محمد داؤد نه تنها پایه گذار جمهوریت در افغانستان است، بلکه بانی اقتصاد رهبری شده در کشور ما نیز به شمار میرود. او در سال 1333 در سخنرانی که در اتاقهای تجارت انجام داد، برای نخستین بار از اقتصاد رهبری شده یاد کرد و در سال 1335 با به میان آوردن سیستم پلانگذاری در افغانستان اقتصاد را که در خواب بود، تکان داد و به جهت مشخص به راه انداخت.»

این مطالب را داکتر سید عبدالله کاظم استاد پوهنخی اقتصاد و امر

د پانو شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

دبیرارتمنت اقتصاد تصدی خصوصی و منجمنت هنگام تحلیل پهلوهای حیات اقتصادی افغانستان به خبرنگار اصلاح - انیس اظهارداشت.

او گفت که: «طرح و تطبیق نخستین پلان پنجساله افغانستان دشواریهای بسیار بیش رو داشت و همانگونه که هر آغازی دشوار است، این آغاز نیز سخت دشوار بود. باوجود این دشواریها، پلانهای اول و دوم که طراح آن رئیس دولت کنونی افغانستان بود، از کامیاب ترین پلانهای ما به شمار میروند. پسائرها پلان سوم به میان آمد که از دیدگاه اقتصادی ناکامترین پلان پنجساله افغانستان بوده است.»

داکتر کاظم گفت: «پس از آنکه نخستین دوره صدارت شاغلی محمد داؤد به پایان رسید، حکومتهای بعدی عملاً از مسایل اقتصادی روی گردانیده و به مسایل سیاسی پرداختند و آهنگ رشد اقتصادی کشور ما چنان به کندی گرایید که احصائیه های ملل متحد افغانستان را به حیث پسمانده ترین کشور

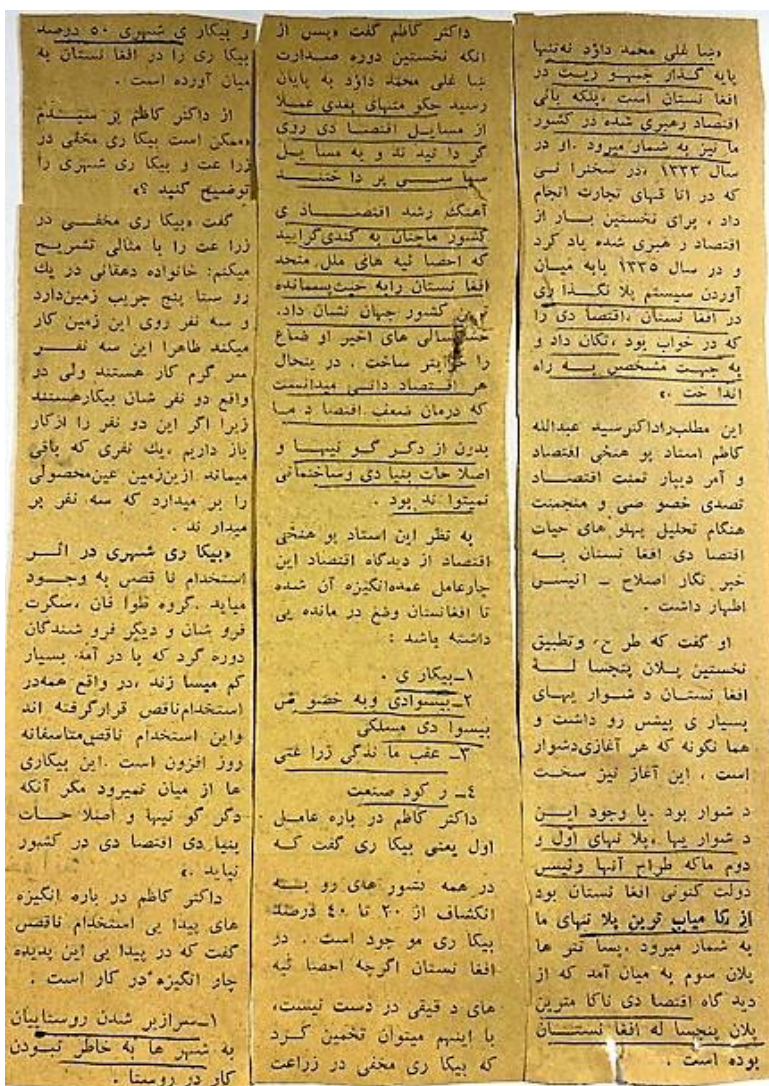
جهان نشان داد. خشکسالی های اخیر اوضاع را خرابتر ساخت. در اینحال هر اقتصاد دانی میدانست که درمان ضعف اقتصاد ما بدون از دگرگونیها و اصلاحات بنیادی و ساختمانی نمیتواند بود.»

به نظر این استاد پوهنخی اقتصاد از دیدگاه اقتصاد این چار عامل عمده انگیزه آن شده تا افغانستان وضع درمانده یی داشته باشد:

- 1 - بیکاری، 2 - بیسوادی و به خصوص بیسوادی مسلکی، 3 - عقب ماندگی زراعتی، 4 - رکود صنعت.

داکتر کاظم درباره عامل بیکاری گفت که در همه کشورهای روبه انکشاف از 20 تا 40 درصد بیکاری موجود است. در افغانستان اگرچه احصائیه های دقیقی در دست نیست، با اینهم میتوان تخمین کرد که بیکاری مخفی در زراعت و بیکاری شهری تا 50 درصد بیکاری را در افغانستان به میان آورده است.

از داکتر کاظم پرسیدیم: «ممکن است بیکاری مخفی را در زراعت و بیکاری شهری را توضیح کنید؟»



د پاپو شمیره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لوی

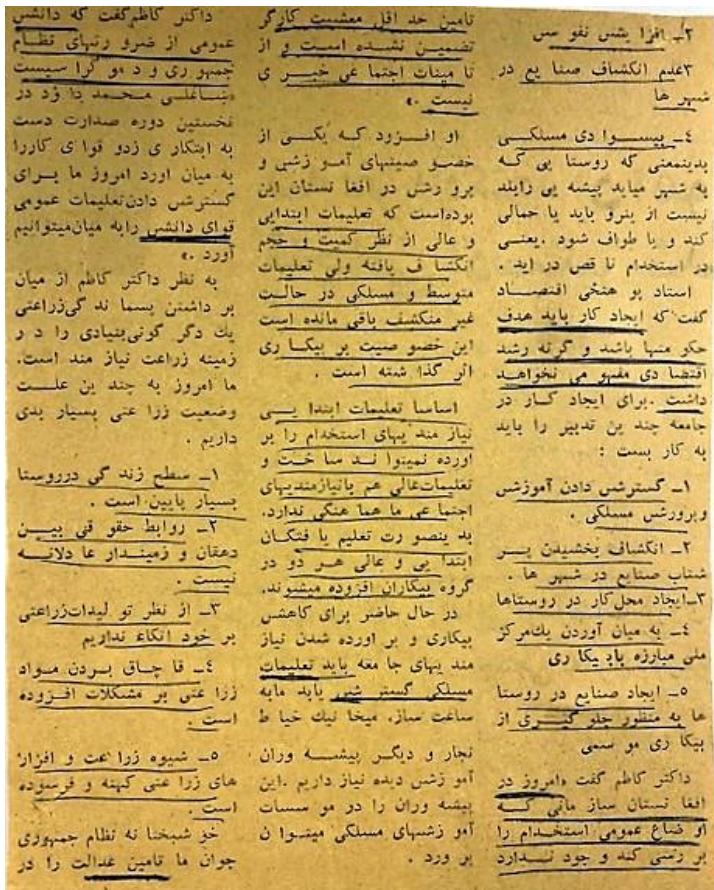
گفت: «بیکاری مخفی در زراعت را با مثالی تشریح میکنم: خانواده دهقانی در یک روستا پنج جریب زمین دارد و سه نفر روی آن کار میکنند. ظاهراً این سه نفر سرگرم کار هستند ولی در واقع دوفنرشان بیکار هستند، زیرا اگر این دو نفر را از کار باز داریم، یک نفر که باقی میماند، از این زمین عین محصولی را بر میدارد که سه نفر بر میدارند.»

«بیکاری شهری در اثر استخدام ناقص به وجود می آید، گروه طوفان، سگرت فروشان و دیگر فروشندگان دوره گرد که با درآمد

بسیار کم می سازند، در واقع همه در استخدام ناقص قرار گرفته اند و این استخدام ناقص متأسفانه روزافزون است. این بیکاری ها از میان نمیرود، مگر آنکه دگرگونیها و اصلاحات بنیادی اقتصادی در کشور پدید نیاید.»

داکتر کاظم درباره انگیزه های پیدایی استخدام ناقص گفت که در پیدایی این پدیده چار انگیزه در کار است: 1 - سرازیر شدن روستاییان به شهرها به خاطر نبودن کار در روستا ها ، 2 - افزایش نفوس، 3 - عدم انکشاف صنایع در شهرها، 4 - بیسودی مسلکی بدین معنی که روستایی که به شهر می آید، پیشه یی را بلد نیست، از اینرو باید یا حامالی کند یا طواف شود یعنی در استخدام ناقص در آید.»

استاد پوهنخی اقتصاد گفت که: «ایجاد کار باید هدف حکومتها باشد و گرنه رشد اقتصادی مفهومی نخواهد داشت.

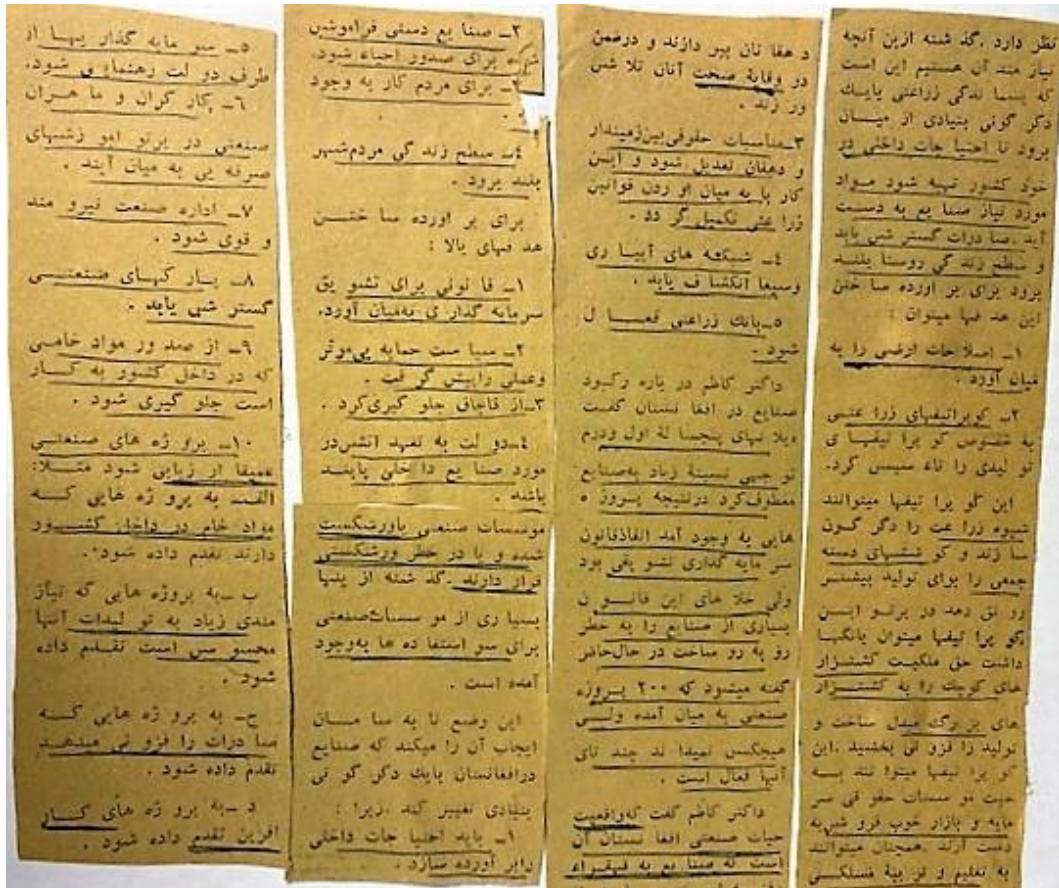


برای ایجاد کار در جامعه چندین تدبیر را باید بکار بست: 1 - گسترش دادن آموزش و پرورش مسلکی، 2 - انکشاف بخشیدن پرشتاب صنایع در شهرها، 3 - ایجاد محل کار در روستاها، 4 - به میان آوردن یک مرکز ملی مبارزه با بیکاری، 5 - ایجاد صنایع در روستا ها به منظور جلوگیری از بیکاری موسمی.»

داکتر کاظم گفت: «امروز در افغانستان سازمانی که اوضاع عمومی استخدام را بررسی کند، وجود ندارد، تأمین حداقل معیشت کارگر تضمین نشده است و از تأمینات اجتماعی خبری نیست.»

او افزود که: «یکی از خصوصیتهای آموزش و پرورش در افغانستان این بوده است که تعلیمات ابتدائی و عالی از نظر کمیت و حجم انکشاف یافته، ولی تعلیمات متوسط و مسلکی در حالت غیرمنکشف باقی مانده است، این خصوصیت بر بیکاری اثر گذاشته است.»

اساساً تعلیمات ابتدایی نیازمندیهای استخدام را برآورده ساخته نمیتواند و تعلیمات عالی هم با نیازمندیهای اجتماع ما هماهنگی ندارد. بدینصورت تعلیم یافتگان ابتدایی و عالی هر دو در گروه بیکاران افزوده میشوند. درحال حاضر برای کاهش بیکاری و برآورده شدن نیازمندیهای جامعه باید تعلیمات مسلکی گسترش یابد. ما به ساعت ساز، میخانیک، خیاط، نجار و دیگر پیشه وران آموزش دیده نیاز داریم. این پیشه وران را در موسسات آموزشی مسلکی میتوان پرورد.



داکتر کاظم گفت که: «دانش عمومی از ضرورت‌های نظام جمهوری و دموکراسی است. شاغلی محمد داوود در نخستین دورهٔ صدارت دست به ابتکاری زد و قوای کار را به میان آورد، امروز ما برای گسترش تعلیمات عمومی قوای دانش را به میان آورده می‌توانیم.»

به نظر داکتر کاظم: از میان برداشتن پسماندگی زراعتی یک دگرگونی بنیادی را در زمینه زراعت نیازمند است. ما امروز به چندین علت وضعیت زراعتی بسیار بدی داریم:

- 1 - سطح زندگی در روستاها بسیار پایین است، 2 - روابط حقوقی بین دهقان و زمیندار عادلانه نیست، 3 - از نظر تولیدات زراعتی برخورد اتکاء نداریم، 4 - قاچاق مواد زراعتی بر مشکلات افزوده است، 5 - شیوه زراعت و افزارهای زراعتی کهنه و فرسوده است.

خوشبختانه نظام جمهوری جوان ما تأمین عدالت را در نظر دارد. گذشته ازین آنچه نیازمند آن هستیم این است که پسماندگی زراعتی با یک دگرگونی بنیادی از میان برود تا احتیاجات داخلی در

خود کشور تهیه شود، مواد مورد نیاز صنایع بدست آید، صادرات گسترش یابد و سطح زندگی روستا بلند برود. برای برآورده ساختن این هدفها میتوان:

1 - اصلاحات ارضی را به میان آورد، 2 - کوپراتیفهای زراعتی به خصوص کوپراتیفهای تولیدی را تأسیس کرد. این کوپراتیفها میتوانند شیوه زراعت را دگرگون سازند و کوششهای دسته جمعی را برای تولید بیشتر رونق دهد. در پرتو این کوپراتیفها میتوان بانکها داشت، حق ملکیت کشتزارهای کوچک را به کشتزارهای بزرگ مبدل ساخت و تولید را فزونی بخشید. این کوپراتیفها میتوانند به حیث موسسات حقوقی سرمایه و بازار خوب فروش به دست آورند. همچنان میتوانند به تعلیم و تربیه مسلکی دهقانان بپردازند و در ضمن در وقایه صحت آنان تلاش ورزند. 3 - مناسبات حقوقی بین زمیندار و دهقان تعدیل شود و این کار با بر میان آوردن قوانین زراعتی تکمیل گردد، 4 - شبکه های آبرسانی وسیعاً انکشاف یابد، 5 - بانک زراعتی فعال گردد.»

داکتر کاظم در باره رکود صنایع در افغانستان گفت: «پلانهای پنجساله اول و دوم توجهی نسبتاً زیاد به صنایع معطوف کرد که در نتیجه پروژه هایی به وجود آمد، انفاذ قانون سرمایه گذاری تشویقی بود، ولی خلاء های این قانون بسیاری از صنایع را به خطر روبرو ساخت. درحال حاضر گفته میشود که 200 پروژه صنعتی به میان آمده ولی هیچکس نمیداند چندتای آنها فعال است.

داکتر کاظم گفت: «واقعیت حیات صنعتی افغانستان آن است که صنایع به قهقراء رفته است، بسیاری از موسسات صنعتی یا ورشکست شده و یا در خطر ورشکستگی قرار دارند. گذشته از اینها بسیاری از موسسات صنعتی برای سوء استفاده به وجود آمده است.

این وضع نا به سامان ایجاب میکند که صنایع در افغانستان با یک دگرگونی بنیادی تغییر کند زیرا:

1 - باید احتیاجات داخلی را برآورده سازد، 2 - صنایع دستی فراموش شده برای صدور احیاء شود، 3 - برای مردم کار به وجود آید، 4 - سطح زندگی مردم شهر بلند برود.

برای برآورده ساختن هدفهای بالا: 1 - قانونی برای تشویق سرمایه گذاری مؤثر را به میان آورد، 2 - سیاست حمایه یی مؤثر و عملی را پیش گرفت، 3 - از قاچاق جلوگیری کرد، 4 - دولت به تعهداتش در مورد صنایع پایبند باشد، 5 - سرمایه گذاریها از طرف دولت رهنمایی شود، 6 - کارگران و ماهران صنعتی در پرتو آموزشهای حرفه یی به میان آیند، 7 - اداره صنعت نیرومند و قوی شود، 8 - پارکهای صنعتی گسترش یابد، 9 - از صدور مواد خامی که در داخل کشور به کار است، جلوگیری شود، 10 - پروژه های صنعتی عمیقاً ارزیابی شود مثلاً: الف - به پروژه هایی که مواد خام در داخل کشور دارند، تقدم داده شود، ب - به پروژه هایی که نیازمندی به تولیدات آنها محسوس است، تقدم داده شود، ج - به پروژه هایی که صادرات را فزونی میدهد، تقدم داده شود، د - به پروژه های کارآفرین تقدم داده شود. (پایان مصاحبه منتشره روزنامه اصلاح - انیس مورخ 11 اسد 1352)

تا آنوقت کمترین شناختی از آقای رهنورد داشتم و اما بعد از کودتای ثور و طی سالهای دهه 80 در مهاجرت بر اطلاعاتم افزوده شد که او دست پرورده ای واقعی برادر خود بود و به همان راه او در دوران حکومت خلقی - پرچمی مثل عده ای دیگر بدون کسب عضویت حزب، اما فعالانه با آن همکار بود و در مقامهای حساس آن دوره ایفای خدمت میکرد و سپس گرایش نزدیک با حلقه های ادبی ایران پیدا کرد که تا آخر زندگی به آن پایبند ماند و در حلقه آنها به شهرت رسید.

ناگفته نماند که مصاحبه فوق الذکر بدون آگاهی قبلی من چار روز بعد یعنی بتاريخ 6 اگست 1973 مطابق 15 اسد 1352 به انگلیسی ترجمه و در روزنامه کابل تایمز به نشر رسید که معلوم میشد محتوای آن مورد دلچسپی مطبوعات قرار گرفته بود.

نشر این مصاحبه در دو روزنامه وزین کشور و در یک موقع حساس که فقط دو هفته بعد از کودتای 26 سرطان و اعلام نظام جمهوری به قیادت محمد داؤد نگذشته بود، برایم اهمیت تاریخی داشت،

THE KABUL TIMES AUGUST 6, 1973

DR. KAZEM SPEAKS ON ECONOMIC REFORMS

President Daoud is not only the founder of the Republic of Afghanistan but also the first Afghan Head of Government who applied the principle of guided economy for the economic development of this country, the Head of the Department of Private Corporate Economy and Management of the Faculty of Economics Dr. Sayed Abdullah Kazem said.

Dr. Kazem added that Mohammad Daoud in a speech in 1353 delivered to the Chamber of Commerce for the first time referred to the concepts of guided economy and in 1355 with the initiation of a planning system he shook the basic stagnant Afghan economy and moved it long a definite path.

Commenting on the five year plan organized under the leadership of Mohammad Daoud, then the head of government, Dr. Kazem said that similar to the difficulties encountered in the beginning of everything, the beginning of the plan also entailed difficulties but nonetheless the first

By A Reporter

two five year plans of the country stretching to 1355 were the most successful ones. The third plan of the country on the other hand was a total failure.

Dr. Kazem pointed out that the governments following Mohammad Daoud's (1963-73) shifted the emphasis from economy to politics slowing down the tempo of the country's economic development to the extent that United Nations statistics ranked this country at the very bottom of the developing nations.

"On top of this, the two year drought weakened the national economy to the extent that no hope could be found except the initiation of basic and fundamental changes, a point on which every economist had no doubt," Dr. Kazem said.

Dr. Kazem believes that the following four factors have proved to be the responsible elements for the underdevelopment of Afghan national economy:

- 1—Unemployment;
- 2—Illiteracy and especially vocational illiteracy;
- 3—Lack of agricultural development; and
- 4—Industrial stagnation.

Commenting on the first of these elements Dr. Kazem said that between 20-40 percent unemployment in developing countries has been registered but this figure for Afghanistan could be estimated at 50 percent including the invisible rural and urban unemployment.

Commenting on invisible rural unemployment Dr. Kazem said if on a plot of land three persons are working while the land actually requires the labour of one, the other two persons are really unemployed, even though visibly they are engaged in agricultural activities.

Urban unemployment, he pointed out, is treated from the partial employment of street vendors who barely can make a living.

These two types of unemployment will not be remedied unless basic structural changes are introduced in the national economy.

Discussing the urban invisible unemployment Dr. Kazem pointed out that this type of unemployment is created from the following main factors:

- 1—Rural migration to populated areas;
- 2—Increase in population;
- 3—Lack of industrial development in the cities; and
- 4—Vocational illiteracy, meaning that those who come to the cities from rural areas are not trained in any specific vocation and thus add to the untrained group as street vendors or porters.

The head of private corporate and management department of the Faculty of Economics, stressed the fact that creating employment opportunities should be the main objectives of the government and for reaching this goal the following measures should be adopted:

(Continued on page 3)

زیرا وسیلهٔ اولین ملاقاتم با رئیس دولت جمهوری در ارگ گردید که قبل از آن هیچگاه زمینه دیدار و صحبت با او برایم میسر نشده بود. البته این دومین بار بود که به ارگ قدم گذاشتم، بار اول وقتی در سال 1350 از تحصیل برگشتم و طبق معمول آنوقت کسانی که با درجه دوکتورا از خارج بوطن بر می گشتند، برای یک ملاقات تعارفی بحضور پادشاه باریاب می شدند و با این ترتیب برای اولین بار بحضور رسیدم که صحبت با شاه یک خاطره فراموش ناشدنی بود.

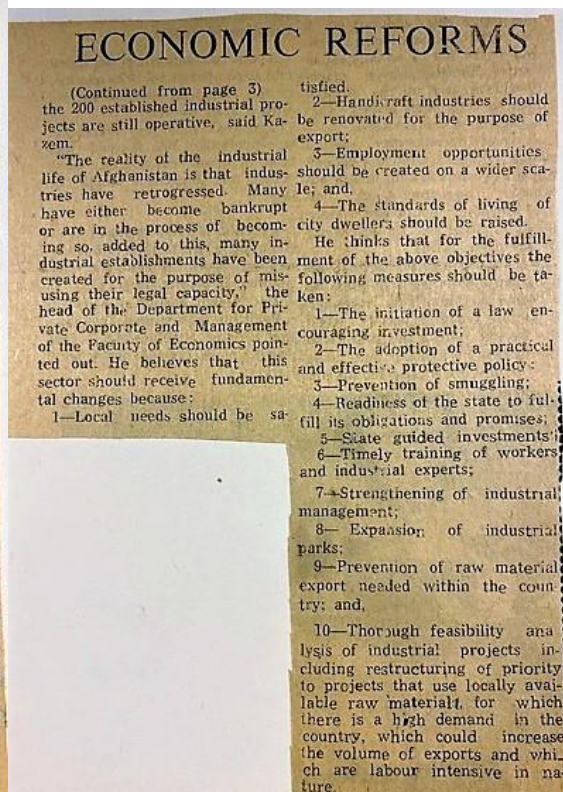
پس از گذشت چند هفته از نشر مصاحبه بتاريخ 7 میزان سال 1352 دفتر رئیس دولت و صدراعظم با من به تماس شد و گفت که رئیس صاحب دولت میخواهد شما را ببیند و بساعت 10 قبل از ظهر مورخ 9 میزان وقت ملاقات داده شده و یک ساعت قبل از آن به ارگ بیایید. خلاصه در وقت موعود به آنجا رفتم و مرا در اتاق انتظار که درمنازل اول درجوار زینه قرار داشت، منتظر نوبت ساختند، اما در آنروز وضع با رفت و آمدهای اعضای کابینه و صحبت های شان در دهلیز که از اتاق انتظار دیده میشد، برایم سؤال انگیز بود و به همین دلیل مدت انتظار بیش از دو ساعت طول کشید، تا اینکه یاور رئیس دولت مرا در اتاق انتظار منزل دوم رهنمائی کرد و چند دقیقه بعد مرا به داخل اتاق کار رئیس دولت همراهی و به ایشان معرفی نمود. رئیس دولت با مهربانی با اشاره دست مرا به نشستن در چوکی جوار میزکارش موقع داد و نخست از سوابق درسی ام پرسید، مختصری

د پانو شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

در مورد عرض کردم و سپس گفتند که: خوش است با جوانان تحصیلکرده آشنا میشوند و با اشاره به اهمیت مسایل اقتصادی در نظام جدید علاوه نمودند که مصاحبه از نظرشان گذشته و فرمودند: چون امروز فرصت کوتاه است، اگر ممکن باشد، محتوای نظر خود را با شرح بیشتر ترتیب نموده و تا یک هفته آنرا به رئیس دفتر بسپارید. این دیدار کمتر از 20 دقیقه طول کشید و مرخص شدم و اما وضع غیرعادی در چند ساعت انتظار و کوتاهی وقت ملاقات ذهنم را با سؤالیهای مختلف در طول روز به خود مصروف ساخته بود، تا آنکه در اخبار ساعت 8 شب خبر گویا "خودکشی" شهید محمدهاشم میوندوال را از رادیو شنیدم و درک کردم که چرا وضع در آنروز در ارگ غیرمعمول و ناراحتی از سیمای رئیس دولت هویدا بود. (جریان آن روز را با شرح مزید در آثار دیگر خود بیان کرده ام. دیده شود: کتاب "زندگی سیاسی شهید محمد داود از آغاز تا انجام"، از این قلم، جلد دوم، کابل، مطبوعه عازم، 1398، صفحه 618)



د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلینکي د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ